



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۴/۰۸/۲۳

احمد فواد ار سلا

افغانستان در مقایسه با ممالک دیگر از نظر استعمال نام کنونی

جورج اورول در کتاب معروف خود 1984 نوشت: "موثرترین راه برای نابودی یک ملت، انکار و نابودی درک آن‌ها از تاریخشان است." اخیراً، با انتشار کتاب افغان و افغانستان لعلزاد و فعالیت‌های گروه‌هایی که تحت کنترل دشمنان وحدت مردم افغان و تمامیت ارضی افغانستان قرار دارند، تلاش تازه‌ای برای منحرف کردن ذهن مردم افغانستان آغاز شده است. لازم است که با این کمپین فریبکارانه مقابله شود. با توجه به حملاتی که به نام افغانستان صورت گرفته است، تحلیل مقایسه‌ای زیر درباره نام افغانستان و چندین کشور دیگر برای مطالعه و تحقیق بیشتر ارائه می‌شود.

جغرافیای مدرن افغانستان که در گذشته به عنوان خراسان، باختر و آریانا شناخته می‌شد، در سال 1747 با تأسیس سلسله درانی توسط احمد شاه ابدالی، که به نام درانی معروف است، به عنوان افغانستان شناخته شد. امپراتوری درانی که توسط احمد شاه درانی در سال 1747 تأسیس شد، به یکی از بزرگترین و تأثیرگذارترین امپراتوری‌های تاریخ افغانستان و مناطق همجوار تبدیل شد. تا زمان مرگ احمد شاه درانی در سال 1772، این امپراتوری به‌طور قابل توجهی گسترش یافت و بخش‌های بزرگی از افغانستان کنونی، پاکستان، شرق ایران و شمال غرب هند را در بر گرفت. احمد شاه که به عنوان پدر افغانستان مدرن شناخته می‌شود، قبایل افغان را متحد کرد و یک دولت مرکزی قدرتمند تأسیس کرد. لشکرکشی‌های نظامی او نفوذ امپراتوری را به مناطقی مانند دهلی در هند گسترش داد، جایی که او در نبرد سوم پانیپت در سال 1761، مراتها را شکست داد. تحت رهبری او، امپراتوری درانی به یک قدرت عمده در جنوب آسیا تبدیل شد و کنترل بر یک قلمرو وسیع و متنوع را که شامل شهرهای مهمی مانند قندهار، کابل، هرات، پیشاور و لاهور بود، به دست آورد. وسعت عظیم این امپراتوری و موقعیت ستراتیژیک آن را به یک بازیگر مرکزی در محاسبات ستراتیژیک جیوپلیتیک قرن هجدهم تبدیل کرد.

پیش از اینکه امپراتوری درانی سلطه خود را بر سرزمین‌های وسیع افغانستان برقرار کند، بریتانیا در هند به قدرت رسیده بود. گسترش استعماری بریتانیا در هند با مجموعه‌ای از سیاست‌ها و تاکتیک‌های حساب‌شده‌ای همراه بود که هدفشان تضعیف و نهایتاً تسلط بر حکومت‌های محلی بود. شرکت هند شرقی بریتانیا ابتدا نفوذ خود را از طریق تجارت برقرار کرد، اما به تدریج با بهره‌برداری از اختلافات داخلی بین حاکمان هندی، کنترل خود را گسترش داد. آن‌ها از ستراتیژی "تفرقه بینداز و حکومت کن" استفاده کردند، با برخی از ایالت‌ها اتحاد کردند و آن‌ها را علیه یکدیگر قرار دادند. این شرکت همچنین از نیروی عسکری استفاده کرد، بخصوص در جنگ‌هایی مانند جنگ‌های انگلیسی-میسور و انگلیسی-مراتا، تا پادشاهی‌های قدرتمند را نابود کند. علاوه بر این، آن‌ها سیاست‌های اقتصادی را پیاده کردند که منابع محلی را تخلیه و مالیات‌های سنگینی تحمیل کرد که اقتصادهای بومی را بیشتر بی‌ثبات کرد. از طریق معاهدات، الحاق‌ها و رویارویی‌های نظامی مستقیم، بریتانیا قدرت‌های موجود را به طور سیستماتیک از بین برد و راه را برای حکومت استعماری کامل تا اواسط قرن نوزدهم هموار کرد.

سیاست‌های استعماری بریتانیا نقش مهمی در فروپاشی امپراتوری درانی در افغانستان به عنوان بخشی از یک ستراتیژی گسترده‌تر برای گسترش نفوذ و کنترل بریتانیا بر جنوب آسیا و آسیای مرکزی ایفا کرد. امپراتوری درانی که زمانی یک دولت قدرتمند افغان بود، در اوایل قرن نوزدهم به دلیل اختلافات داخلی و نزاع‌های جانشینی شروع به تضعیف کرد. امپراتوری بریتانیا با درک این فرصت، تلاش کرد تا از این ضعف‌ها برای جلوگیری از گسترش روسیه در منطقه و تأمین منافع ستراتیژیک خود بهره‌برداری کند. از طریق ترکیبی از مداخله‌های نظامی، معاهدات و دستکاری حاکمان محلی، بریتانیا به تدریج امپراتوری درانی را تضعیف کرد. جنگ اول انگلیس و افغانستان (1839-1842) آغاز مداخله مستقیم بریتانیا بود، هرچند که این جنگ با شکست موقتی برای بریتانیا به پایان رسید. با این حال، معاهدات و توافقات بعدی که به حاکمان افغان تحمیل شد، به طور مؤثری افغانستان را به یک دولت حائل

د پاپو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی

تبدیل کرد که سیاست خارجی آن به شدت تحت تأثیر منافع بریتانیا بود. بریتانیا همچنین بخش‌های قابل توجهی از قلمرو درانی، مانند مناطق بلوچستان و ایالت مرزی شمال غربی (که اکنون بخشی از پاکستان است) را ضمیمه کرد و امپراتوری درانی متحد را بیشتر تجزیه کرد. این ستراتیژی استعماری نه تنها به فروپاشی امپراتوری درانی منجر شد، بلکه زمینه را برای پیچیدگی‌های جیوپولیتیکی که دهه‌ها بر افغانستان و منطقه وسیع‌تر تأثیر گذاشته است، فراهم کرد.

مهم است که توجه داشته باشیم که برخلاف ادعای بی‌اساس و ریاکارانه‌ای که افغانستان به عنوان یک دولت حائل توسط بریتانیا ایجاد شده است، تاریخ مستند نشان می‌دهد که تضعیف افغانستان و جامطلبی‌های استعماری بریتانیا امپراتوری افغان را محدود کرده و باعث شد که با پروپاگند استعماری برتانیای قرن ۱۹ به عنوان یک دولت حائل نامگذاری نادرست شده است. با توجه به انتقادات از وجود افغانستان و نام افغانستان، و انتقادات سلطه‌بیش از دوصد سال یک قوم (با توجه به اینکه در همه قانین اساسی و لویه جرگه‌ها افغانستان سرزمین همه اقوام است) اکنون به چند مثال از کشورها و تاریخ استفاده از نام‌های فعلی آن‌ها نگاهی می‌اندازیم تا با استفاده دو قرنه از نام افغانستان مقایسه شود.

افغانستان

نام کنونی: افغانستان

تاریخ استفاده از نام کنونی: ۱۷۴۷ (تاسیس امپراتوری درانی ۱۷۴۷)

نام‌های قدیمی: آریانا، باختر، خراسان

در دوران باستان، این منطقه به نام آریانا شناخته می‌شد، اصطلاحی که یونانیان برای اشاره به مناطقی که در شرق فارس و بین هند و فارس موقعیت داشت. در دوران اسلامی، این منطقه را عرب‌ها بنام خراسان یاد می‌کردند. نام "افغانستان" در قرن ۱۸ به‌طور گسترده‌ای استفاده شد.

آلمان

نام کنونی: آلمان

تاریخ استفاده از نام کنونی: ۱۸۷۱ (با اتحاد آلمان)

نام‌های قدیمی: ژرمانیا (دوران روم)، امپراتوری مقدس روم (قرون وسطی تا ۱۸۰۶)، پروس (کشور اصلی در اتحاد)

کشور مدرن آلمان به‌طور رسمی در سال ۱۸۷۱ تحت رهبری پادشاهی پروس، با اعلام امپراتوری آلمان متحد شد. پیش از این اتحاد، سرزمینی که امروزه به‌عنوان آلمان شناخته می‌شود، به صورت متفرق به چندین پادشاهی، دوک‌نشین و ایالت‌های کوچک تقسیم شده بود که به نام‌های مختلفی شناخته می‌شدند. در دوران روم باستان، این منطقه با نام "ژرمانیا" شناخته می‌شد که به سرزمین‌های شرقی رود راین اشاره داشت. در قرون وسطی، این منطقه بخشی از امپراتوری مقدس روم بود که یک مجموعه چندملیتی از قلمروها در اروپای مرکزی بود. پس از فروپاشی امپراتوری مقدس روم در سال ۱۸۰۶، پروس به عنوان دولت غالب آلمان ظهور کرد و در نهایت منجر به اتحاد آلمان شد.

فرانسه

نام کنونی: فرانسه

تاریخ استفاده از نام کنونی: ۹۸۷ (تأسیس پادشاهی فرانسه)

نام‌های قدیمی: گالیا (دوران روم)، فرانک غربی (پس از تقسیم امپراتوری کارولینژی)

نام "فرانسه" از واژه لاتین "فرانکیا" مشتق شده است که به معنای "سرزمین فرانک‌ها" است، یک قبیله ژرمنی که پس از سقوط امپراتوری روم در این منطقه ساکن شد. پیش از آنکه به نام فرانسه شناخته شود، این سرزمین در دوران روم باستان به نام گالیا شناخته می‌شد که منطقه‌ای وسیع را شامل می‌شد که امروزه فرانسه، بلژیک، لوکزامبورگ و بخش‌هایی از آلمان و ایتالیا را در بر می‌گیرد. پس از تقسیم امپراتوری کارولینژی در سال ۸۴۳، بخش غربی به نام فرانک غربی شناخته شد. تا سال ۹۸۷، با تأسیس سلسله کاپتی‌ها، اصطلاح "فرانسه" به طور فزاینده‌ای برای اشاره به پادشاهی استفاده می‌شد.

ایتالیا

نام کنونی: ایتالیا

تاریخ استفاده از نام کنونی: ۱۸۶۱ (اتحاد ایتالیا)

نام‌های قدیمی: ایتالیا (نام رومی)، پادشاهی لومباردها، ایالت‌های شهری و دوک‌نشین‌های مختلف

نام "ایتالیا" ریشه‌های کهنی دارد و به دوران جمهوری و امپراتوری روم بازمی‌گردد، زمانی که اصطلاح "ایتالیا" به کل شبه‌جزیره اشاره داشت. پس از سقوط امپراتوری روم، شبه‌جزیره ایتالیا به یک موزاییک از پادشاهی‌ها، دوکنتشین‌ها و ایالت‌های شهری تبدیل شد، از جمله پادشاهی لومباردها و دولت‌های پاپ. کشور مدرن ایتالیا در سال ۱۸۶۱ تحت رهبری پادشاهی ساردینیا متحد شد و نام "ایتالیا" احیا شد تا نمایانگر کشور جدید باشد.

ایران

نام کنونی: ایران

تاریخ استفاده از نام کنونی: ۱۹۳۵

نام‌های قدیمی: پارس

نام "ایران" که ریشه در لغت "آریا" دارد که به معنای سرزمین آریایی‌ها است بعد از تصمیم دولت پهلوی که قصد تصاحب فرهنگ و تاریخ منطقه شرق فارس را داشت بر سرزمین فارس تعبیه شده. با این حال، در بیشتر تاریخ خود، این کشور در جهان خارج به نام پارس شناخته می‌شد، نامی که از پادشاهی باستانی پارسه مشتق شده و توسط یونانیان رواج یافت. نام "پارس" برای قرن‌ها در زبان‌های غربی استفاده می‌شد. در سال ۱۹۳۵، رضا شاه پهلوی به‌طور رسمی از جامعه بین‌المللی خواست تا کشور را با نام "ایران" خطاب کنند تا بر میراث آریایی کشور تأکید کند.

مصر

نام کنونی: مصر

تاریخ استفاده از نام کنونی: حدود ۳۰۰۰ پیش از میلاد (به عنوان دولت متحد مصر)

نام‌های قدیمی: کمت (مصر باستان)، مصر (نام عربی)

نام "مصر" از واژه یونانی "آیگیپتوس" گرفته شده که خود از نام مصری باستان "حوت-کا-پتاح" (خانه روح پتاح) مشتق شده است، که در اصل به یک مجتمع معبد در ممفیس اشاره داشت. با این حال، مصریان باستان کشورشان را "کمت" می‌نامیدند، به معنای "سرزمین سیاه"، که به خاک حاصلخیز دره نیل اشاره دارد. پس از فتح عرب‌ها در قرن هفتم میلادی، نام "مصر" به‌طور گسترده‌ای در زبان عربی برای اشاره به این کشور استفاده شد، که هنوز هم نام عربی آن است. نام "Egypt" همچنان در زبان‌های اروپایی مورد استفاده قرار می‌گیرد و پیوندی با گذشته باستانی کشور حفظ می‌کند.

پاکستان

نام کنونی: پاکستان

تاریخ استفاده از نام کنونی: ۱۹۴۷ (با ایجا مملکت برای حفظ منافع برتانیا)

نام‌های قدیمی: بخشی از هند برتانوی، تمدن هند

در آستانه خروج از هندوستان، و برای باقیماندن نفوذ و تحکیم منافع برتانیا در جنوب آسیا و بحر هند دولت برتانیا با استفاده از پالیسی تفرقه بیانداز و حکومت کن در بین ساکنان هندو و مسلمانان هند تصادمات خونین و هلاکت‌بار براه انداخت و با استفاده از یک تعداد عوامل وابسته به برتانیا خواسته ایجاد مملکت پاکستان را تقویت کرد. در نتیجه مملکت پاکستان بنام اسلام در ۱۹۴۷ اختراع شد.

عراق

نام کنونی: عراق

تاریخ استفاده از نام کنونی: ۱۹۲۰ (تحت قیمومیت بریتانیا، به‌طور رسمی در ۱۹۳۲ به رسمیت شناخته شد)

نام‌های قدیمی: بین‌النهرین (دوران باستان)، بابل، آشور، بخشی از امپراتوری عثمانی

نام "عراق" ریشه در شهر باستانی اوروک دارد، یکی از نخستین شهرهای بزرگ جهان که در عراق امروزی قرار دارد. این نام از حداقل قرن ششم میلادی، در دوران اسلامی، استفاده شده است، هرچند که این منطقه در تاریخ باستان بیشتر به نام بین‌النهرین شناخته می‌شود. بین‌النهرین به معنای "سرزمین بین دو رود" است و به منطقه‌ای اشاره دارد که بین رودهای دجله و فرات قرار داشت و تمدن‌های باستانی سومر، اکد، بابل و آشور در آن توسعه یافتند. عراق برای چندین قرن بخشی از امپراتوری عثمانی بود و پس از جنگ جهانی اول تحت قیمومیت بریتانیا قرار گرفت. دولت مدرن عراق در سال ۱۹۳۲ پس از کسب استقلال از کنترل بریتانیا به‌طور رسمی به رسمیت شناخته شد.

عربستان سعودی

نام کنونی: عربستان سعودی

تاریخ استفاده از نام کنونی: ۱۹۳۲ (اتحاد پادشاهی عربستان سعودی)

نام‌های قدیمی: عربستان، حجاز، نجد

پادشاهی مدرن عربستان سعودی در سال ۱۹۳۲ توسط ملک عبدالعزیز آل سعود تأسیس شد، پس از آنکه او قبایل و مناطق مختلف شبه‌جزیره عربستان، از جمله حجاز و نجد، را متحد کرد. پیش از این اتحاد، این منطقه به‌طور کلی به عنوان عربستان شناخته می‌شد، اصطلاحی که از دوران باستان برای توصیف کل شبه‌جزیره استفاده شده است. حجاز، که محل شهرهای مقدس مکه و مدینه است، و نجد، منطقه فلات مرکزی، از مناطق تاریخی مهم در شبه‌جزیره بودند. نام "عربستان سعودی" منعکس‌کننده نام خاندان حاکم آل سعود است، که با "عربستان" ترکیب شده و بر سلطه پادشاهی بر کل شبه‌جزیره عربستان دلالت دارد.

آرشیف: مطالب نشر شده محترم احمد فواد ار سلا

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ